

بررسی روابط خارجی ایران و روسیه پس از انقلاب اسلامی (مقایسه‌ی دهه‌های ۸۰ و ۹۰ شمسی) بر اساس الگوی پیوستگی جیمز روزنا

امیرحسین عسکری^{۱*}

سیدجواد صالحی^۲

مصطفی الماسی^۳

چکیده

هدف: هدف از این پژوهش بررسی روابط ایران و روسیه در دوره پس از انقلاب اسلامی، مطالعه موردی دو دهه‌ی ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ شمسی است. روابط ایران و روسیه در دو دهه مذکور دارای نوسانات زیادی بوده است به گونه‌ای که پس از یک دوره عدم پویایی و رکود در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ روابط دو کشور، در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸، همگرایی زیادی در برخی ابعاد سیاست بین‌الملل نشان داده‌اند.

روش‌شناسی پژوهش: در این راستا پژوهش حاضر با به‌کارگیری روش توصیفی و تحلیلی درصدد پاسخ به این سؤال است که روابط روسیه و ایران دهه‌های ۸۰ و ۹۰ شمسی چگونه قابل توضیح است؟ برای پاسخ به این سؤال از الگوی پیوستگی جیمز روزنا استفاده شده است. به عبارت دیگر، هدف این پژوهش توضیح علل نوسانات روابط ایران و روسیه بر اساس متغیرهای سطح تحلیل خرد و کلان الگوی پیوستگی جیمز روزنا است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند روابط ایران و روسیه در این دو دوره شرایط متفاوتی را تجربه کرده است و در حالی که در دوره اول روابط آنها نسبتاً راکد و ساکن بوده است، در دوره دوم این روابط پویاتر و فعال‌تر شده است و متغیرهای سطح کلان مانند منافع مشترک در سوریه و عراق، مقابله با هژمونی ایالات متحده در خاورمیانه، تحریم‌ها و حصول به توازن قدرت در مقابل آمریکا عامل عمده تغییر در مناسبات دوجانبه‌ی این دو کشور بوده است.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش همچنین نشان می‌دهند هرگاه متغیر نظام بین‌الملل فعال‌تر شود، روسیه و جمهوری اسلامی ایران گرایش بیشتری به همکاری با یکدیگر نشان می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: ایران، روسیه، روابط خارجی، الگوی پیوستگی جیمز روزنا.

Email: a.h.askari@shirazu.ac.ir

۱- دکترای علوم سیاسی و پژوهشگر حوزه اروپا (نویسنده
مسئول)

Email: salehi@shirazu.ac.ir

۲- استادیار گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

Email: m.almassi@pnu.ac.ir

۳- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰

مقدمه

روابط ایران و روسیه همواره روابطی چند بُعدی و پیچیده بوده است که غالباً از رقابت تا همکاری را شامل می‌شود. این دو کشور دارای تاریخ طولانی در روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بوده‌اند که در اغلب اوقات این روابط دوجانبه را کد و مناقشه‌آمیز بوده است. در دوران اتحاد جماهیر شوروی سابق روابط این دو کشور در نوسان بود. از یک سو اتحاد جماهیر شوروی نخستین کشوری بود که جمهوری اسلامی را پس از وقوع انقلاب اسلامی به رسمیت شناخت ولی از سوی دیگر در طول جنگ هشت‌ساله ایران و عراق شوروی ارتش عراق را با حمایت‌های تسلیحاتی- لجستیکی تقویت کرد. پس از جنگ ایران و عراق و به‌ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی روابط دو کشور در حوزه تعاملات دیپلماتیک افزایش یافت و ایران تبدیل به یکی از خریداران عمده سلاح از روسیه شد. در حال حاضر ایران و روسیه دو شریک عمده اقتصادی محسوب می‌شوند؛ زیرا هر دو کشور مورد هدف تحریم‌های اقتصادی کشورهای غربی و ایالات متحده هستند (مک فارکوهار^۱، ۲۰۱۵).

در سال‌های اخیر به دلایل مختلف روابط ایران و روسیه فضایی مبتنی بر همکاری را تجربه کرده است. برخی از پژوهشگران سیاست‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را موجب نزدیکی این دو کشور در سال‌های اخیر دانسته‌اند (نوروزی و رومی، ۲۰۱۴). از دید این پژوهشگران روابط ایران و روسیه از سنخ روابط استراتژیک و راهبردی نبوده بلکه بیشتر یک مسئله واکنشی به شرایط بین‌المللی بوده است و اراده روس‌ها عامل تعیین‌کننده منحنی روابط دو کشور است (نوروزی و رومی، ۲۰۱۴: ۹۳؛ مجتهدزاده و رشیدی‌نژاد، ۲۰۱۱؛ کولایی، ۲۰۰۶). برخی دیگر از پژوهشگران ضمن نفی این دیدگاه معتقدند هر چند نمی‌توان روابط ایرانی- روسی را از نوع مناسبات راهبردی و استراتژیک در نظر گرفت، اما نوعی از توازن و پویایی در روابط دوجانبه بین این دو کشور وجود دارد که منافع طرفین را تأمین می‌کند (صفری، ۲۰۰۵؛ سنایی، ۲۰۰۸؛ مامدودا، ۲۰۰۸؛ زادوخین، ۲۰۰۵). هر چند پژوهش‌های فوق به بررسی روابط ایران و روسیه پرداخته و دلایلی را برای این روابط ذکر نموده‌اند، اما به‌صورت تک بُعدی و از منظر روس‌ها به این روابط نگرینسته‌اند در صورتی که پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا انگیزه‌ها و محرک‌های هر دو طرف را در روابط دوجانبه مورد بررسی قرار دهد.

به‌طور کلی جهت‌گیری سیاست خارجی کشورها تحت تأثیر دو محیط داخلی و خارجی است و بر اساس الگوی پیوستگی جیمز روزنا در محیط داخلی عواملی مانند متغیر فرد، متغیر نقش، متغیر ساختارهای حکومتی و درون‌مایه‌های اجتماعی و در سطح خارجی نیز ساختار نظام بین‌الملل عامل تعیین‌کننده روابط میان کشورها محسوب می‌شوند. بر این اساس، پژوهش حاضر در چارچوب الگوی پیوستگی جیمز روزنا ضمن واکاوی ریشه‌ها و عوامل شکل‌دهنده روابط ایران و روسیه تلاش می‌نماید نشان دهد نقش کدام یک از

سطوح خرد یا کلان در شکل‌گیری روابط دو کشور نقش بیشتری را داشته است. در واقع سؤال اصلی این پژوهش این است که روابط روسیه و ایران در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ شمسی چگونه قابل توضیح است؟

چارچوب نظری

سیاست خارجی مهم‌ترین وجه زندگی اجتماعی - سیاسی دولت‌ها و کشورها به‌شمار می‌رود؛ زیرا بقا و حیات آنها به سیاست خارجی بستگی دارد. از این‌رو تلاش برای درک و فهم ماهیت و رفتار سیاست خارجی یکی از دل‌مشغولی‌های ذهنی محافل علمی و دانشگاهی است، به‌گونه‌ای که حوزه مطالعاتی تحلیل سیاست خارجی جهت پاسخگویی به این کنجکاو و دل‌نگرانی تأسیس شده است. تحول و تکامل این رشته، مطالعات گسترده و رویکردهای نظری متنوع و متعددی را در متن و بطن خود پرورده است (دهقانی فیروزآبادی، ۲۰۱۰: ۱). این رویکردها و نظریه‌ها هر کدام از منظرهای خاص به ماهیت و رفتار سیاست خارجی کشورها نگریسته‌اند. برخی از پژوهشگران به عوامل و متغیرهایی در سطح محیط داخلی برای بررسی و توضیح سیاست خارجی کشورها توجه کرده‌اند. متغیرهایی مانند ویژگی‌های اجتماعی، نقش احزاب و گروه‌های اجتماعی، نقش تصمیم‌گیران و... در این سطح تحلیل جای می‌گیرند. نظریات تصمیم‌گیری^۱ از جمله نظریاتی است که در این سطح تحلیل که سطح خرد^۲ نیز نامیده می‌شود، قرار می‌گیرد (عسکری، ۲۰۱۶: ۲۹). از سوی دیگر برخی اندیشمندان معتقدند که نظام بین‌الملل و ساختار آن دارای بیشترین تأثیر بر جهت‌گیری رفتار سیاست خارجی کشورها است. این دسته از پژوهشگران که قائل به اثرگذاری متغیرهای سطح تحلیل کلان هستند استدلال می‌کنند در محیط بین‌الملل، برخلاف محیط داخلی، واحدها دارای تمایز کارکردی نیستند و تنها کارکرد آنها تأمین امنیت و تضمین بقا از طریق افزایش توانمندی‌ها است. این کارکرد در نتیجه تحمیل منطق اصل سازمان بخش‌آرشی به واحدها است (مشیرزاده، ۲۰۱۲: ۱۱۴). نواقعی‌گرایان یا واقع‌گرایان ساختاری^۳ را می‌توان از متفکرانی دانست که قائل به تعیین‌کنندگی سطح تحلیل کلان در رفتار سیاست خارجی کشورها هستند. به نظر می‌رسد هر دو نظریه ذکر شده دچار نوعی تقلیل‌گرایی و عدم جامعیت شده‌اند. از این‌رو، با احساس نیاز به بررسی متغیرهای متعدد و اثرگذار بر سیاست خارجی کشورها در ابعاد مختلف برخی نظریات پای به عرصه مطالعات سیاسی گذاردند که تلاش کرده‌اند از طریق پیوند دو سطح تحلیل ذکر شده دیدگاه جامع‌تری به دست دهند. یکی از این رویکردها واقع‌گرایی نوکلاسیک است که کوشیده است از طریق پیوند متغیر سطح تحلیل کلان^۴ با عوامل مؤثر بر درک و احساس تصمیم‌گیران این نقطه ضعف را برطرف کند. از دید نوکلاسیک‌ها هر چند متغیر نظام بین‌الملل اثرات زیادی بر جهت‌گیری رفتار سیاست خارجی کشورها دارد؛ اما در نهایت احساس و ادراک تصمیم‌گیران است که ساختار را تحلیل کرده و جهت‌گیری سیاست خارجی را مشخص می‌کند (عسکری، ۲۰۱۶: ۳۲-۳۱).

1. Decision making theories
2. Micro level analysis
3. Structural realism
4. Macro level analysis

الگوی پیوستگی جیمز روزنا^۱ از نظریه‌هایی است که بررسی سیاست خارجی کشورها را محدود به یک سطح تحلیل نمی‌کند و قائل به پیوند دو سطح تحلیل خرد و کلان در بررسی و توضیح رفتار سیاست خارجی کشورها است. از دید روزنا در سطح تحلیل خرد یا محیط داخلی چهار متغیر فرد تصمیم‌گیرنده، نقش فرد تصمیم‌گیرنده، متغیر حکومتی (ساختار حکومتی) و متغیرهای اجتماعی (درون‌مایه‌ها و ارزش‌های اجتماعی) و در سطح تحلیل کلان متغیر نظام بین‌الملل با ماهیت آنارشیک آن، عدم تمایز کارکردی واحدهای متعامل و همچنین توزیع توانمندی‌ها؛ عوامل مؤثر بر تعیین رفتار سیاست خارجی کشورها هستند (روزنا، ۱۹۸۰: ۹۸).

جدول ۱: متغیرهای سطح تحلیل خرد و کلان در الگوی روزنا

سطح تحلیل		متغیرهای اثرگذار
سطح تحلیل کلان	سطح تحلیل خرد	
نظام بین‌الملل	فرد تصمیم‌گیرنده	
آنارشی	نقش	
عدم تمایز کارکردی واحدها	ساختار حکومتی	
توزیع توانمندی‌ها	درون‌مایه‌های اجتماعی	

متغیرهای سطح تحلیل خرد

متغیر فرد: در عرصه سیاست خارجی نقش فرد و شخصیت فرد تصمیم‌گیرنده درگیر یک پارادوکس است. نقش فرد در سیاست خارجی شامل فرآیندهای شناختی، پس‌زمینه، ویژگی‌های فردی، انگیزه‌ها و باورها است و فرض بر این است که تصمیم‌گیری نتیجه یک نهاد انسانی مبتنی بر فرد است؛ اعتقاد بر این است که در نهایت این افرادند که تصمیم می‌گیرند و نه دولت‌ها؛ زیرا دولت نوعی انتزاع قانونی است و ما به‌جز عینی ندارد. شخصیت تصمیم‌گیرنده هر چند می‌تواند به میزان زیادی به درک ما از رفتار سیاست خارجی کشورها کمک کند؛ اما همواره باید این نکته را مدنظر داشت که محدودیت‌های متعددی از جمله ساختار نظام بین‌الملل و ساختارهای سیاسی داخلی بر رفتار تصمیم‌گیران اثرگذار خواهد بود (عابدی اردکانی و عسکری، ۲۰۱۹: ۴۴۰). به نظر می‌رسد آنچه به‌عنوان ویژگی‌های فردی شخص تصمیم‌گیرنده یاد می‌شود، ویژگی‌های ادراکی - روانی آنها است.

نقش فرد در نظام‌های سیاسی مختلف متفاوت است. در حالی که در نظام‌های پادشاهی و کشورهایی که فاقد نهادهای دموکراتیک و توزیع‌کننده قدرت هستند، مانند برخی کشورهای پادشاهی خلیج فارس، نقش فرد بسیار برجسته و پررنگ است، در کشورهای نسبتاً دموکراتیک و چندحزبی، مانند فرانسه و لبنان، نقش فرد تابع فرآیندهای بوروکراتیک است؛ بنابراین، اولویت و تقدم و تأخر این متغیر می‌تواند نمایانگر نوع و

1. James N. Rosenau

ماهیت یک نظام سیاسی باشد و این مسئله‌ای است که مورد توجه جیمز روزنا است (هرمان و همکاران^۱، ۲۰۰۳: ۸۴).

نقش فرد تصمیم‌گیرنده: متغیر نقش به جایگاهی اشاره دارد که فرد از نظر قانونی در ساختار حقوقی یک کشور اشغال می‌کند. این متغیر به ویژگی‌هایی اشاره دارد که ناشی از مسئولیت‌های سیاست‌گذاری یک بازیگر است و هر فردی که چنین جایگاهی را بر کند از او نیز انتظار رفتار مشابهی می‌رود. به عبارت دیگر، متغیر نقش به این معناست که مسئولان دولتی بدون توجه به خصوصیت فردی و انحصاری که در متغیر فرد مورد توجه است با تکیه بر سمت و جایگاهی که در حکومت دارند نسبت به موضوعی از خود واکنش نشان دهند (عسکری، ۲۰۱۶: ۴۰). بزرگ‌ترین چالش در بررسی متغیر نقش برای درک رفتار سیاست خارجی یک واحد، جداسازی اثرگذاری متغیر فرد و نقش بر یکدیگر است. این دو متغیر به میزان زیادی به یکدیگر وابسته هستند و ممکن است گاهی اوقات متغیر فرد موجب اثرگذاری بر متغیر نقش شود و یا متغیر نقش فرد تصمیم‌گیرنده را در سیطره خود قرار دهد. از مورد دوم به رفتار و یا شخصیت سازمانی یاد می‌شود. تقدم و تأخر این دو متغیر نیز موجب تجلی نوع خاصی از نظام سیاسی می‌شود. در نظام‌های قانونی و بوروکراتیک عموماً متغیر نقش جایگاه برجسته‌تری نسبت به فرد دارند. به هر صورت متغیر نقش را می‌توان مجموعه انتظارات یک نظام سیاسی از فرد تصمیم‌گیرنده دانست که در همه افراد قبل و بعد از وی دارای شباهت رفتاری است.

۲۰۱۶

درون‌مایه‌های اجتماعی: این متغیر نیز از دیگر متغیرهای سطح تحلیل خرد است که به تمامی جوانب غیردولتی یک جامعه اطلاق می‌شود که به نحوی سیاست خارجی یک کشور را مورد تأثیر قرار می‌دهد (استار^۲، ۱۹۸۸؛ روزنا، ۱۹۸۰). این متغیر شامل ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های حاکم بر یک جامعه، گروه‌های ذی‌نفوذ و فشار و... می‌شود. به عبارت دیگر، این متغیر به آن دسته از جنبه‌های غیرحکومتی و خودجوش یک کشور یا جامعه اشاره دارد که به صورت مثبت یا منفی شکل‌گیری و جهت‌دهی به سیاست خارجی واحدها را تغییر می‌دهد. برجسته‌ترین نمونه اثرگذاری این متغیر را می‌توان در اثرگذاری افکار عمومی بر فرآیند سیاست‌گذاری در محیط خارجی جست.

متغیرهای سطح تحلیل کلان

متغیر سطح تحلیل کلان از دیگر حوزه‌هایی است که جیمز روزنا برای آن نقش ویژه‌ای در شکل‌گیری و جهت‌دهی به سیاست خارجی واحدها قائل است. مهم‌ترین ویژگی نظام بین‌الملل که موجب اثرگذاری بر سیاست خارجی کشورها می‌شود به ماهیت آنارشیک آن باز می‌گردد. بر این اساس، دولت‌ها همواره در یک ترس و هراس دائمی به سر می‌برند و در شرایط فقدان قدرت فائقه که بقای آنها را تضمین کند، خود دست

1. Hermann et al

2. Starr

به بیشینه‌سازی قدرت برای تضمین بقا می‌زنند. بی‌اعتمادی و خودیاری موجب می‌شود دولت‌ها برخلاف محیط داخلی دارای تمایز کارکردی با یکدیگر نباشند و از آنجا که دو اصل آناژشی و عدم تمایز کارکردی واحدها همواره غیرقابل تغییر هستند، واحدها تلاش می‌کنند تا عمده فعالیت خود را در حوزه توزیع توانمندی و موازنه متمرکز کنند. بر این اساس، سیاست خارجی کشورها تنها دارای یک کارکرد است که عبارت است از: بیشینه‌سازی قدرت برای جلوگیری از تهدید زوال (مشیرزاده، ۲۰۱۲: ۱۱۴).

روابط ایران و روسیه در دهه ۱۳۸۰ (۱۳۹۲-۱۳۸۴)

در این دوره «نگاه روس‌ها به ایران به‌عنوان متحدی استراتژیک و یا شراکتی دو جانبه نبوده بلکه انگیزه اصلی روس‌ها از تعمیق و توسعه روابط با ایران افزایش و بهبود نفوذ و توان ژئوپلیتیکی بوده است... در این راستا سه اصل مهم و اساسی جهت‌دهنده سیاست خارجی روسیه نسبت به ایران بوده است که عبارتند از: باز نگاه داشتن درهای مذاکره با غرب، اطمینان مسکو از فضای امن کشورهای تازه استقلال یافته شوروی و ثبات امنیتی در مرزهای این کشورها. در این دوره فضای سیاسی ایران نیز به شدت تحت تأثیر نیروهای موافق و مخالف غرب‌گرایی بود. در این دوره جمهوری اسلامی توانست نفوذ سیاسی و نظامی خود را در خاورمیانه افزایش داده و درجه رقابت با ایالات متحده را نیز تغییر دهد» (کزانوف^۱، ۲۰۱۵: ۴-۵).

با روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵) روابط دو کشور تا حدودی بهبود یافت اما باز هم دو کشور به یکدیگر به‌عنوان شرکای راهبردی نگاه نمی‌کردند. در این دوره عمده روابط دو کشور پیرامون برنامه هسته‌ای ایران تعیین یافت و علی‌رغم این که دو کشور در سال ۲۰۰۶ با یکدیگر در حوزه انرژی روابط نزدیکی برقرار کردند (کزانوف، ۲۰۱۵: ۴)؛ اما فضای روابط دوجانبه نشان از یک شراکت مؤثر نداشت. دلایل نزدیکی روسیه به ایران بیشتر تحت تأثیر مشکلات این کشور با ایالات متحده، استقرار سامانه دفاع موشکی ایالات متحده در اروپای شرقی و حمایت ایالات متحده از اوکراین و گرجستان برای پیوستن به ناتو بود (کاتز^۲، ۲۰۰۸). با این حال روس‌ها روابط دوجانبه خود را با ایران به معنای یک رابطه راهبردی گسترش ندادند. روس‌ها از سال ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۱۰، در دوره مدودوف، در راستای تحریم‌های شورای امنیت و غرب علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران تحریم‌هایی را بر این کشور تحمیل کردند. روس‌ها همچنین در سال ۲۰۱۰ از تحویل سامانه موشکی S-300 به ایران سرباز زدند (کاتز، ۲۰۱۰: ۶۵).

در سال ۲۰۰۹ نگرانی‌های مسکو از فعالیت‌های هسته‌ای ایران افزایش یافت. در اکتبر و نوامبر این سال ایران طرح معاوضه اورانیوم با غنای پایین را با اورانیوم با غنای بالا رد کرد و در همین زمان مدودوف اقدام ایران را نادرست و نامناسب خواند. وی گفت: «ایران به مرحله تولید سلاح‌های هسته‌ای بسیار نزدیک شده است و تحریم‌های بین‌المللی اجتناب‌ناپذیر هستند». در سال ۲۰۱۰ نیز مدودوف تحریم‌های بیشتری را به ایران تحمیل کرد. روابط روسیه با سایر کشورهای خاورمیانه از جمله اسرائیل موجب شده بود تا روسیه

1. Kozhanov

2. Katz

خواستار حفظ یک توازن در سیاست خارجی خود در برابر ایران باشد. از سوی دیگر، ایران نیز به روسیه به‌عنوان یک شریک راهبردی نگاه نمی‌کرد و از این کشور به‌عنوان نوعی ایجاد توازن علیه ایالات‌متحده استفاده می‌کرد. به‌علاوه روس‌ها در سال ۲۰۰۹ همگام با سایر اعضای دائم شورای امنیت فعالیت‌های هسته‌ای ایران را چالشی برای جهان دانستند (کاتز، ۲۰۱۰: ۶۶-۶۵).

از سوی دیگر در این مقطع روسیه در توافقی با ایران متعهد شده بود که سه کشتی ۶۳۰۰۰ تنی را برای استفاده ایران در دریای کاسپین (خزر) به این کشور تحویل دهد که به این وعده خود عمل نکرد و علاوه بر آن روس‌ها در سال ۲۰۰۷ به آمریکایی‌ها پیشنهاد استقرار یک سامانه دفاعی موشکی مشترک را در شرق اروپا دادند که این مسئله موجب نگرانی فزاینده ایران شد. در تنشی دیگر در سپتامبر ۲۰۰۹ نشست‌های قزاقستان به درخواست روسیه برای حل چالش‌های حقوقی دریای کاسپین برگزار شد که همه کشورهای حاشیه دریای کاسپین به جز ایران دعوت شده بودند و این مسئله نیز بر شکاف روابط دو کشور افزود (کاتز، ۲۰۱۰: ۶۴).

بدقولی متعدد و متناوب روس‌ها در توافقات مختلف با ایران موجب نگرانی و واکنش این کشور شد. در مارس ۲۰۱۰ تهران دستور داد خلبانان تجاری روس ظرف دو ماه ایران را ترک کنند و در دسامبر ۲۰۱۰ رئیس‌جمهور وقت ایران، محمود احمدی‌نژاد، با اشاره به وقوع دو جنگ جهانی و نقض بی‌طرفی ایران در دوران جنگ و با اشاره به اشغال نواحی شمالی ایران توسط اتحاد جماهیر شوروی، خواستار پرداخت غرامت به ایران از سوی روس‌ها شد (کاتز، ۲۰۱۰: ۶۷). ورود پوتین به کاخ کرملین آغازگر فصل نوینی از روابط بین ایران و روسیه و همچنین نقطه عطفی در سیاست خارجی روسیه محسوب می‌شود. شکست مذاکرات دیپلماتیک روسیه و آمریکا، بحران خاورمیانه و سوریه و تحریم‌های ایالات‌متحده و غرب در کنار شخصیت پوتین موجب نزدیکی ایران و روسیه تنها در آخرین سال ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد روی داد. در دوره اول مورد بررسی به نظر می‌رسد روابط ایران و روسیه بیشتر تحت تأثیر متغیر سطح تحلیل کلان یا نظام بین‌الملل قرار داشته است. تلاش دولت باراک اوباما در راستای بهبود روابط با روسیه موجب شد نگاه روس‌ها بیشتر معطوف به تنش‌زدایی با ایالات‌متحده باشد. این وضعیت موجب بی‌توجهی روس‌ها به ایران گردید. از سوی دیگر ایران نیز به‌واسطه رقابت با ایالات‌متحده سعی در افزایش روابط با روسیه داشته است اما نزدیکی روس‌ها به ایالات‌متحده و همچنین عدم تحویل سامانه دفاعی S-300 به ایران که با فشار اسرائیل و ایالات‌متحده بود موجب دلسردی ایران از بهبود و ارتقای سطح روابط با روس‌ها شد. به‌صورت کلی در این دوره متغیر فرد، نقش، ساختار حکومتی و درون‌مایه‌های اجتماعی تأثیری روی روابط ایران و روسیه نداشته و بیشتر روابط این دو کشور واکنش‌هایی به تحولات در نظام بین‌الملل بوده است.

جدول ۲: متغیرهای اثرگذار بر روابط ایران و روسیه (۱۳۹۲-۱۳۸۴)

متغیرهای اثرگذار بر روابط دو کشور		نوع روابط
متغیرهای سطح تحلیل خرد	متغیرهای سطح تحلیل کلان	
- روسیه	گشوده شدن درهای مذاکره با ایالات متحده و بی‌توجهی به ایران	روسیه
	برنامه هسته‌ای ایران	
	حفظ توازن در روابط با سایر کشورها از جمله اسرائیل	
	مسئله رژیم حقوقی دریای کاسپین (خزر)	
- ایران	نزدیکی روس‌ها به اسرائیل و آمریکا	ایران
	بدقولی روس‌ها در تحویل سامانه S-300	
	بدقولی روس‌ها در راه‌اندازی راکتور بوشهر	
	بدقولی روس‌ها در تحویل سه کشتی ۶۳۰۰۰ تنی	
	تلاش روس‌ها برای استقرار سامانه مشترک دفاعی با آمریکا	
		راکد و سرد

روابط ایران و روسیه در دهه ۱۳۹۰ (۱۴۰۰-۱۳۹۲)

از سال ۲۰۱۲ به این سو روابط ایران و روسیه ارتقای قابل توجهی را در سطوح مختلف نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک تجربه کرده است. این افزایش مناسبات به دلایل متعددی باز می‌گردد که هر دو کشور را وادار به افزایش مناسبات خود کرد. با آغاز بحران سوریه ایران و روسیه هر دو به متحدان نزدیک و حامیان بشار اسد تبدیل شدند که یکی از دلایل نزدیکی دو کشور به یکدیگر بوده است. به‌علاوه، با بحران اوکراین و حادثه مسمومیت سرگئی اسکریپال در بریتانیا، روابط روسیه و غرب دچار رکود فزاینده‌ای شد و این کشور مورد تحریم غرب و ایالات متحده قرار گرفت و این مسائل موجب نزدیکی دو کشور ایران و روسیه به یکدیگر شده است؛ زیرا هر دو کشور در حمایت از حکومت سوریه دارای اتفاق نظر هستند و هر دو کشور در هدف قرار گرفتن تحریم‌های غرب و آمریکا قربانی مشترکی محسوب می‌شوند. کنش‌های متعددی که در روابط دوجانبه صورت گرفته مؤید افزایش مناسبات دوجانبه بین دو کشور است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روابط نظامی (تحویل سامانه دفاعی S-300)

ایران همواره به دلایل متعدد خواستار خریداری سامانه دفاع موشکی S-300 از روسیه بوده است. در دوره مدودوف که همراه با دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد در ایران بود روس‌ها به تعهدات خود این زمینه عمل نکردند؛ اما پس از توافق هسته‌ای ایران با پنج قدرت جهانی ولادیمیر پوتین دستور تحویل سامانه S-300 به ایران را صادر و ممنوعیت تحویل آن را لغو کرد (Putin Lifts Ban On Supplies)

2015 "Of S-300 Missiles To Iran). در نوامبر ۲۰۱۶ سامانه S-300 به ایران تحویل داده شد و همچنین یک توافق ۱۰ میلیارد دلاری برای خرید تجهیزات و ادوات نظامی روسی با ایران منعقد شد (برادی، ۲۰۱۶). علاوه بر معاملات تجاری، این دو کشور تلاش کرده‌اند تا در مقابل سلطه‌طلبی ایالات متحده در خاورمیانه همکاری‌های نظامی خود را افزایش دهند (سوچاکوف، ۲۰۱۹). ایران و روسیه روابط خود را در حوزه نظامی به صورت خاص در سوریه توسعه داده‌اند. ولادیمیر پوتین در نشست شانگهای در ژوئن ۲۰۱۹ محورهای مهم همکاری‌های ایران و روسیه را توضیح داد که یکی از آنها حفظ ثبات در منطقه خاورمیانه و مبارزه با تروریسم بوده است. به علاوه، پایگاه نظامی T-4 در سوریه از پایگاه‌های نظامی است که ایران و روسیه مشترکاً در آن فعال هستند (جونز، ۲۰۱۹).

روابط اقتصادی - تجاری: روابط اقتصادی ایران و روسیه در دوره مورد بررسی نیز نسبت به دوره ماقبل افزایش چشمگیری داشته است. علت عمده این افزایش مناسبات اقتصادی و تجاری تحریم‌های ایالات متحده و غرب علیه دو کشور بوده است. به عبارت دیگر، این دو کشور قربانی مشترک تحریم‌های اقتصادی غرب و ایالات متحده هستند. این دو کشور در سال ۲۰۱۴ یک توافق بزرگ تجاری تاریخی را با ارزش ۲۰ میلیارد دلار (نفت در برابر کالا) به امضاء رساندند (تروتمان، ۲۰۱۴). در شش ماهه اول سال ۱۳۹۸ نیز با افزایش سطح روابط اقتصادی ایران و روسیه، صادرات ایران به روسیه به میزان ۳۸ درصد افزایش یافت (سنایی، ۲۰۱۹).

متغیرهای سطح تحلیل خرد

وضعیت نواحی مسلمان‌نشین روسیه

یکی از مهم‌ترین دلایل نزدیکی روابط ایران و روسیه و وضعیت سرزمین‌های مسلمان‌نشین روسیه است. روس‌ها در مورد ظهور و فعالیت جنبش‌های افراط‌گرای تندرو اسلامی در شمال قفقاز و چین به شدت نگران هستند. این جنبش‌ها عموماً سنی مذهب هستند که انتظاری برای مورد حمایت قرار گرفتن از سوی ایران برای آنان وجود ندارد. ایران در طول بحران دوم چین، این بحران را یک موضوع داخلی دانست و اعلام کرد باید به تمامیت ارضی روسیه احترام گذاشت. روس‌ها نیز از مواضع حمایت‌گرانه ایران در این بحران قدردانی کردند (مالک، ۲۰۰۸: ۲۶). از سال ۲۰۱۱ و با آغاز بحران سوریه و سپس عراق و حضور اسلام‌گرایان افراطی روس در این دو کشور در کنار تروریست‌ها این نگرانی از سوی روس‌ها افزایش پیدا کرده است. بنابراین، روس‌ها در کنار ایران از یک دغدغه مشترک برخوردارند و آن ظهور و تقویت جنبش‌های تروریستی اسلام‌گرا است (مارتن، ۲۰۱۵: ۷۷).

1. Brady
2. Suchkov
3. Jones
4. Trotman
5. Malek
6. Marten

شبکه‌ی غیررسمی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی روسیه (ساختار حکومتی)

شبکه غیررسمی تصمیم‌گیری در همه نظام‌های سیاسی نقش خود را در فرآیند سیاست‌گذاری ایفا می‌کند اما نقش این مدل تصمیم‌سازی در روسیه بسیار برجسته‌تر از نظام‌های دموکراتیک غربی است (کریشتانوفسکایا^۱، ۲۰۰۵). از اواسط دهه ۱۹۹۰ شبکه‌های غیررسمی در سیاست داخلی روسیه فعال شده‌اند که منجر به ایجاد یک گروه نخبه سیاسی در این کشور گردیده است. به صورت خاص و در مورد پوتین، از اواخر حکومت گورباچف در سن پترزبورگ شبکه‌ای ایجاد شد که دارای روابط بسیار نزدیکی با پوتین بوده‌اند. این شبکه در حال حاضر نخبگان حاکم بر فضای سیاسی روسیه را تشکیل می‌دهند. حضور افرادی در سمت‌های کلیدی از KGB و سرویس امنیتی فدرال FSC که دارای روابط نزدیکی با پوتین بوده‌اند مؤید این امر است (مارتن، ۲۰۱۵: ۷۲). روس‌ها و شبکه غیررسمی حاکم بر این کشور اعتقاد دارند ایران وزنه‌ای مناسب برای رقابت با ایالات متحده است. آنها استدلال می‌کنند از آنجایی که ایران یک قدرت اثرگذار منطقه‌ای است و از کشورهای مهم در عرصه انرژی محسوب می‌شود روابط روسیه با این کشور نیازمند مدیریت مناسب است. اهمیت شبکه غیررسمی روس‌ها در ایجاد روابط با ایران زمانی آشکار می‌شود که به تعلیق احداث نیروگاه بوشهر بر اثر تحریم‌های دولت دموکرات بیل کلینتون در ایالات متحده توجه کنیم. در این زمان پوتین که در مقام ریاست سرویس امنیت فدرال انجام وظیفه می‌کرد روابطی شخصی را با برخی مقامات در ایران برقرار کرد که روابط آنها جدا از روابط جاری دو کشور ادامه یافت. به علاوه به هنگام اعلام تصمیم روس‌ها در تعلیق احداث نیروگاه بوشهر شبکه غیررسمی مورد حمایت پوتین از طریق دانشمندان هسته‌ای این کشور روابط خود را با ایران ادامه داد و ایران را در تولید آب‌سنگین در راکتور اراک یاری کردند. در حال حاضر نیز دو شرکت فعال در احداث نیروگاه بوشهر نیز هر دو از شهر زادگاه پوتین یعنی سن پترزبورگ هستند که در زمره شبکه روابط غیررسمی پوتین محسوب می‌شوند (مارتن، ۲۰۱۵: ۷۸).

متغیرهای سطح تحلیل کلان

منافع مشترک در عراق و سوریه

در هر دو بحران سوریه و عراق ایران و روسیه دارای علایق مشترکی هستند. این دو کشور دو متحد حکومت سوریه محسوب می‌شوند که به نفع این کشور در برابر گروه‌های تروریست اسلام‌گرا وارد عمل شده‌اند. این اتحاد ناشی از همدلی متقابل نیست بلکه هر دو کشور به دلایل پراگماتیک به اتحاد در بحران سوریه روی آورده‌اند (داکوس^۲، ۲۰۱۹). روسیه با احساس نگرانی از شیوع افراط‌گرایی در سرزمین‌های مسلمان‌نشین خود، قوت یافتن گروه‌های تروریستی را در خاورمیانه تهدیدی برای محیط داخلی خود احساس می‌کند؛ بنابراین، در سوریه برای حمایت از حکومت اسد وارد عمل شده است. علاوه بر این، روسیه با درگیر شدن

1. Kryshtanovskaya

2. Duclos

در بحران اوکراین و هدف قرار گرفتن از سوی غرب و ایالات متحده در صدد افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی خود در خاورمیانه برآمده است و درخواست رسمی دولت سوریه برای استمداد از روسیه در مقابله با تروریسم مورد قبول روس‌ها قرار گرفت. از سوی دیگر ایران به‌عنوان یک نظام سیاسی شیعی مورد هدف گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه قرار گرفته است (به‌عنوان عدوالقرب در اندیشه قطیسم). بر این اساس ایران علیه دشمنان ایدئولوژیک به نفع حکومت اسد وارد عمل شده است. به‌علاوه، سوریه نشان داده است همواره متحد وفاداری برای ایران بوده است. این کشور در دوران جنگ هشت‌ساله ایران و عراق به دلیل رقابت با شاخه عراقی بعث به حمایت از ایران پرداخت. ایران نیز در مقابل برای حفظ متحد استراتژیک و منطقه‌ای خود در سوریه وارد عمل شده است. بنابراین، هر دو کشور ایران و سوریه به دلایل مختلف در سوریه دارای همپوشانی منافع هستند.

مقابله با هژمونی ایالات متحده در خاورمیانه

حضور ایالات متحده در خاورمیانه برای ایران و روسیه خوشایند نیست. روسیه به‌واسطه رقابت‌های متنوع و متعددی که با آمریکا در سطح جهان دارد، از جمله بحران اوکراین، تلاش می‌کند تا هژمونی این کشور در خاورمیانه را مورد چالش قرار دهد. به‌علاوه روس‌ها از حضور ایالات متحده در مرزهای جنوبی خود و کشورهای تازه استقلال‌یافته اتحاد جماهیر شوروی احساس نگرانی می‌کنند. روس‌ها سواحل مدیترانه را به‌عنوان دروازه‌های جنوبی ناتو در نظر می‌گیرند و تلاش می‌کنند از طریق حضور مؤثر در خاورمیانه و سوریه، با دسترسی به سواحل مدیترانه، از فشار ایجاد شده حداکثری در مرزهای غربی خود، به‌ویژه منطقه بالتیک، توسط ناتو و غرب بکاهند. بنابراین، حضور در سوریه برای روس‌ها ابزار مؤثری در راستای افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی آنها است. ایران نیز که در سیاست خارجی خود با رفتار آمریکاستیزانه شناخته می‌شود و در طول حیات سیاسی خود چالش‌های متعددی با این کشور را تجربه کرده، حضور آمریکا در منطقه را تهدیدی حیاتی برای خود می‌داند و تلاش می‌کند تا نفوذ خود در منطقه را افزایش داده و متحدان خود را نیز تقویت کند. هر دو کشور ایران و روسیه حضور ایالات متحده در سوریه را یکی از مهم‌ترین چالش‌های خود می‌دانند و با اعلام مخالفت با استقرار نیروهای آمریکایی در سوریه خواستار خروج آنها شده‌اند (نیهای و دهقان پیشه، ۲۰۱۹).

افزایش توانمندی از طریق افزایش سطح همکاری

ایران و روسیه هر دو بر اهمیت افزایش توانمندی خود در محیط سیاست بین‌الملل تأکید دارند. با توجه به ثابت بودن دو اصل سازمان بخش‌آنا‌رشی و عدم تمایز کارکردی واحدها در این محیط، واحدها تلاش می‌کنند تا سیاست‌های خود را بر افزایش توانمندی قرار دهند. به‌عبارت دیگر، تنها تغییر در این محیط از طریق توزیع توانمندی‌ها صورت می‌گیرد. یکی از شیوه‌های افزایش توانمندی ائتلاف‌ها و اتحادها است. ایران از یک‌سو در رقابت با ایالات متحده و از سوی دیگر در رقابت با سایر قدرت‌های منطقه‌ای مانند

عربستان و اسرائیل نیاز شدیدی به افزایش توانمندی‌های خود دارد و بر این اساس علاوه بر حفظ هم‌پیمانان منطقه‌ای خود تلاش کرده است تا از طریق افزایش مناسبات با روسیه بر این توانمندی‌ها افزوده و به نوعی موازنه سازی کند.

تحریم‌های ایالات متحده

روسیه نیز پس از یک دوره تلاش برای فتح مناسبات با ایالات متحده به صورت ناامیدکننده‌ای هدف تحریم‌های غرب و ایالات متحده قرار گرفت. این تحریم‌ها پس از بحران اوکراین و مسمومیت سرگئی اسکریپال در بریتانیا تشدید شده است. از سوی دیگر ایران نیز به واسطه تقابل با آمریکا و غرب و همچنین به دلیل فعالیت‌های هسته‌ای و استراتژی خاورمیانه‌ای خود هدف سنگین‌ترین تحریم‌ها از سوی آمریکا و غرب قرار گرفته است. هر چند پس توافق هسته‌ای تا حدودی تحریم‌ها تعلیق و کم اثر شدند اما با خروج یک‌جانبه آمریکا از این توافق، این کشور بار دیگر هدف شدیدترین تحریم‌ها قرار گرفته است. هر دو کشور که قربانی تحریم‌های غرب و آمریکا هستند به یکدیگر به‌عنوان شریک تجاری نگاه می‌کنند و از این منظر تمایل زیادی به ارتقای سطح مناسبات تجاری - اقتصادی خود دارند.

در این دوره به نظر می‌رسد متغیرهای سطح تحلیل خرد در روسیه دارای اثرگذاری مثبت بر روابط خارجی این کشور با ایران بوده‌اند در حالی که در ایران متغیرهای سطح خرد اثرگذاری چندانی نداشته‌اند. متغیرهای سطح تحلیل کلان بیشترین تأثیر را در روابط ایران و روسیه را ایفا کرده‌اند. در حالی که روس‌ها از مناطقی مانند چچن، قفقاز و... که نواحی مسلمان‌نشین محسوب می‌شوند احساس خطر می‌کنند، تردد اسلام‌گراهای روس از مرز ترکیه و سوریه موجب نگرانی فزاینده آنان شده است. به این ترتیب، ایران و روسیه در بحران سوریه دارای اهداف و علاقه‌ای مشترکی هستند که موجب پویایی فعالیت‌های آنها در سوریه می‌شود. به‌علاوه، شکست روس‌ها در راهبرد نزدیکی به ایالات متحده و غرب در دوره یلتسین و مدودوف نیز موجب سرخورده شدن غرب‌گراها در این کشور و رویکرد توجه به سایر مناطق و کشورها از جمله ایران شده است. در زمینه‌ی افزایش روابط نظامی دو کشور انعقاد توافق هسته‌ای ایران و قدرت‌های جهانی نقش بسیار مهمی را بازی کرد. پس از انعقاد این توافق بود که پوتین دستور تعلیق قانون منع تحویل سامانه S-300 به ایران را صادر کرد و در سال ۲۰۱۶ این سامانه دفاع موشکی تحویل ایران شد.

جدول ۳: متغیرهای اثرگذار بر روابط ایران و روسیه (۱۳۹۸-۱۳۹۲)

متغیرهای اثرگذار بر روابط دو کشور		نوع روابط
متغیرهای سطح تحلیل خرد	متغیرهای سطح تحلیل کلان	
وضعیت سرزمین‌های مسلمان‌نشین در روسیه	منافع مشترک در سوریه و عراق	روسیه
	مقابله با هژمونی ایالات متحده در خاورمیانه	
	تحریم‌های ایالات متحده و غرب	

شبکه غیررسمی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی روسیه	گسترش نفوذ خود در خاورمیانه از طریق یک قدرت منطقه‌ای (ایران)	ایران
	منافع مشترک با روسیه در عراق و سوریه	
	استفاده از روسیه برای توازن با ایالات‌متحده	
-	تحریم‌های ایالات‌متحده و غرب	

نتیجه‌گیری

روابط ایران و روسیه در طول تاریخ دستخوش تحولات و نوسانات عمده‌ای بوده است. این پژوهش تلاش کرده است تا ضمن بازنمایی اجمالی روابط این دو کشور در دو دهه ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ شمسی به بررسی تغییرات و توضیح دلایل این تغییرات بپردازد. در دوره نخست که از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ را در برمی‌گیرد روابط ایران و روسیه حداقل تا سال ۲۰۱۱ شاهد وضعیتی مرکب از رکود و عدم پویایی بوده است. این وضعیت ناشی از اراده دو طرف بوده که تحت تأثیر متغیرهای سطح کلان قرار داشته‌اند. از یک سو روس‌ها ضمن گشودن باب مذاکرات با غرب و ایالات‌متحده وزن کمتری به اولویت خود در خصوص ایران داده بودند و از سوی دیگر ایران نیز به واسطه نزدیک شدن روس‌ها به غرب و آمریکا و عدم تحویل سامانه S-300 در اثر فشارهای اسرائیل و غرب تمایل زیادی به افزایش سطح مناسبات با روس‌ها نداشتند. به علاوه، پیشنهاد روس‌ها به ایالات‌متحده در خصوص استقرار یک سامانه دفاعی مشترک در اروپای شرقی نگرانی ایرانی‌ها را برانگیخت. از سال ۲۰۱۱ به بعد به‌ویژه از دوره آغاز بحران سوریه و اوکراین روابط ایران و روسیه دچار تغییرات زیادی شد. این تغییرات نیز به میزان زیادی وابسته به متغیرهای سطح تحلیل کلان بوده است. بر این اساس، توافق هسته‌ای میان ایران و قدرت‌های جهانی موجب تعلیق تحریم‌های اعمالی علیه ایران شد که روس‌ها به دنبال آن سامانه S-300 را به ایران تحویل دادند. شکست خوردن روس‌ها در مذاکره با غرب نیز موجب دلسردی آنان از آمریکا و غرب شده و در نتیجه برای توسعه نفوذ ژئوپلیتیکی خود به ایران توجه بیشتری مبذول داشتند. بحران سوریه نیز موجب شد دو کشور به دلایل مختلف هدف واحدی را دنبال کنند و در نتیجه هر دو در سوریه از یک همپوشانی منافع برخوردار شدند. تحریم‌های ایالات‌متحده علیه هر دو کشور نیز موجب ایجاد انگیزه‌های هم‌گرایانه بین این دو کشور شده است. به صورت کلی می‌توان اظهار داشت روابط ایران و روسیه به میزان زیادی تحت تأثیر متغیرهای سطح تحلیل کلان است تا این که در سطح تحلیل خرد دلایل و متغیرهای خاصی موجب هم‌گرایی دو کشور شوند. تنها در روسیه در مقطع خاصی احساس نگرانی از سرایت تحولات سوریه به مناطق مسلمان‌نشین این کشور در کنار متغیر شبکه غیررسمی سیاست‌گذاری موجب اثرگذاری مثبت بر روابط خارجی این دو کشور شده است.

References

- Abedi Ardakani, Mohammad; Askari, Amir Hossein (2019). “Analysis of the reasons for Iran's aggressive diplomacy against the West and the United States (2005-2013)”. *Politics Quarterly*, 49 (2). doi: 10.22059 / JPQ.2019.207293.1006803. (In Persian)
- Askari, Amir Hossein. (2016). *An Analysis of the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran (2005-2013)*. Tehran: Speakers. (In Persian)
- Brady, April (2016). *Russia Completes S-300 Delivery to Iran*. Arms Control Association.
- Dehghani Firoozabad, SeYedjalal. (2011). *Foreign policy of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Samat. (In Persian)
- Duclos, Michel (2019). “Russia and Iran in Syria—A Random Partnership or an Enduring Alliance?” Atlantic Council. <https://www.atlanticcouncil.org/in-depth-research-reports/issue-brief/russia-and-iran-in-syria-a-random-partnership-or-an-enduring-alliance/>
- Hermann, Margaret G; Thomas Preston, Baghat Korany; and Timothy M. Shaw (2003). “Who Leads Matters: The Effects of Powerful Individuals.” *International Studies Review*. <https://doi.org/10.1111/1521-9488.00235>.
- Jones, Seth G. (2019). “Dangerous Liaisons: Russian Cooperation with Iran in Syria.” Center for Strategic and International Studies.
- Katz, Mark N. (2010). “Russian-Iranian Relations in the Obama Era.” *Middle East Policy* 17 (2): 62–69. <https://doi.org/10.1111/j.1475-4967.2010.00439.x>.
- Katz, Mark. (2008). “Russian-Iranian Relations in the Ahmadinejad Era.” *The Middle East Journal* 62 (2): 202–16. <https://doi.org/10.3751/62.2.11>.
- Koolaei, Elahe (2006). “Iran-Russia relations, continuity or change”. *Iras*, 1 (1), 16-1. (In Persian)
- Kozhanov, Nikolay (2015). “Understanding the Revitalization of Russian-Iranian Relations,” 30.
- Kryshantovskaya, Olga. (2005). *Anatomy of the Russian Elite*. Moscow: Zakharov.
- MacFarquhar, Neil (2015). “Putin Lifts Ban on Russian Missile Sales to Iran.” *New York Times*. <https://www.nytimes.com/2015/04/14/world/europe/putin-lifts-ban-on-russian-missile-sales-to-iran.html?hp&action=click&pgtype=Homepage&module=first-column-region®ion=top-news&WT.nav=top-news>.
- Malek, Martin (2008). “Russia, Iran, and the Conflict in Chechnya.” *Caucasian Review Of International Affairs* 2 (1): 25–34.
- Mandova, Nina. (2008). *Economic relations between Iran and Russia*. in Sanai, Mehdi; Karami, Gahangir, *Iran-Russia relations* (pp. 112-101). Tehran: Iras. (In Persian)
- Marten, Kimberly (2015). “Informal Political Networks and Putin's Foreign Policy: The Examples of Iran and Syria.” *Problems of Post-Communism* 62 (2): 71-87. <https://doi.org/10.1080/10758216.2015.1010896>.
- Mojtahedzadeh, Pirooz; Rashidi Nejad, Ahmad. (2011). *Geopolitical analysis of Russia's foreign policy in relation to Iran's nuclear program (2000-2008)*. Geopolitics, 22. (In Persian)
- Mushirzadeh, Homeira. (2012). *Developments in various theories of international relations*. Tehran: Samat. (In Persian)

- Nebehay, Stephanie; Dehghanpisheh, Babak (2019). "Iran, Russia Take Aim at U.S. Military Presence near Syrian Oilfields." Reuters. at: <https://www.reuters.com/article/us-syria-security-ministers/iran-russia-take-aim-at-u-s-military-presence-near-syrian-oilfields-idUSKBN1X82OQ>.
- Norouzi, Noormohammad; Rumi, Farshad. (2014). "Russian perspective on Iran-Russia relations. Iranian Journal of International Politics", Third Year (No. 1), 117-93. (In Persian)
- "Putin Lifts Ban On Supplies Of S-300 Missiles To Iran." (2015). Radio FreeEurope Radio Liberty.
- Rosenau, James N. (1980). *The Scientific Study of Foreign Policy*. Nichols Publishing Company.
- Safari, Mehdi (2005). *Political structure and developments in the Russian Federation and relations with the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Office of Political and International Studies, Ministry of Foreign Affairs. (In Persian)
- Sanai, Mehdi. (2008). *Iran-Russia relations; Problems and prospects ahead*. Sanai, Mehdi; Karami Gahangir in *Iran-Russia Relations* (pp. 25-1). Tehran: Iras. (In Persian)
- Sanai, Mehdi. (2019). *The volume of economic exchanges between Iran and Russia will reach \$ 5 billion*. Retrieved from Borna News Agency, at: <https://incofund.com/2019/09/30/sanford-stadium-improvements/> (In Persian)
- Starr, Harvey (1988). "Rosenau, Pre-Theories and the Evolution of the Comparative Study of Foreign Policy." *International Interactions* 14 (1): 3–15. at: <https://doi.org/10.1080/03050628808434686>.
- Suchkov, Maxim A (2019). "Intel: How Russia Is Deepening Military Ties with Iran to Counter the US." *Al-Manitor*.
- Trotman, Andrew (2014). "Vladimir Putin Signs Historic \$20bn Oil Deal with Iran to Bypass Western Sanctions." *The Daily Telegraph*.
- Zadokhin, A. G. (2005). *Russia's foreign policy, self-awareness and national interests*. Translator; Sanaei, Mehdi. Tehran: Abrar Moaser Tehran. (In Persian)